

تاریخچه عفاف و حجاب در ایران

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان حجاب برگ هویت در دو فصل تنظیم و تهیه شده است. در فصل اول به صورت اجمالی به پوشش در ایران پرداخته ایم و در آن اهمیت و فلسفه ی حجاب را از دیدگاه آیات و روایات توضیح داده ایم. در پایان این فصل دلایل وجوب حجاب اسلامی را به طور اجمال بررسی کرده ایم. در فصل دوم آثار حجاب و بایسته ها و راه کارها ی آن ها را در داخل کشور بررسی نموده و در نهایت نقشه های شوم دشمنان دین اسلام را که در خارج از کشور برنامه ریزی می شوند بیان کرده ایم.

مقدمه

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): "ضرورت انقلاب را بشناسید، بدانید که حفظ عفاف و عصمت جامعه و طهارت دامن مرد و زن در این فرصت بسیار حساس جامعه انقلابی ایران یک ضرورت و یک فریضه بزرگ است."

زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده، کلاس درس اوست. بر همین اساس زن مربی بشر است و می تواند با تربیت صحیح فرزند، امتی را رهایی بخشد. لذا جایگاه والای این گوهر آفرینش اقتضاء می کند که در صرف حجاب قرار گیرد تا ارزش های او حفظ شود و از همین روست که خداوند پوشش دینی را بر او واجب فرموده است. بنابراین ضروری است تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات، صدا و سیما در مسیر ترویج ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها حجاب و عفاف است هدایت شوند. فرهنگ پوشش از جمله فرهنگ هایی است که در تمام جوامع از گذشته های دور تاکنون بنا به اعتقادات دینی و آداب و رسوم اجتماعی به اشکال مختلف وجود داشته و در فرهنگ اسلامی مسأله حجاب که از نشانه های عفت و حیا می باشد و از مهم ترین موضوعات مربوط به مسلمانان خصوصاً زنان می باشد که آیاتی پیرامون این موضوع بر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است و یکی از ابعاد رسیدن به کمال و رشد شخصیتی و اعتلای فرهنگی و اندیشه ی زن، در توجه به حجاب بیان گردیده است.

آنچه از امر ولایت مفهم است *** بر دو پایه دین زن مستحکم است

حکم اول عفت و دوم حجاب *** غیر این، زن را تکامل مبهم است

فصل اول: حجاب در آیات و روایات

نگاهی اجمالی به پوشش در ایران

پارسیان قبل از اسلام: پارسیان در روزگار باستان، خوش لباس بودند و شبیه مادها جامه می پوشیدند. آنان جز دو دست، باز گذاشتن هریک از قسمتهای بدن را خلاف ادب می شمردند. ایشان شلوار و پیراهن کتابی و دو لباس رو داشتند. اختلاف لباس زنان با مردان در این بود که پیراهنشان شکاف داشت. پیراهن زنان، تزئینات بسیار داشت و به رنگ های زنده ای بود. برای پوشاندن سر، از یک سر بند استفاده می کردند که در زیر چانه به وسیله ی دویست محکم می شد. روی این سر بند، نیز یک روسری بزرگ به نام (مکنو) می پوشیدند. پوشاندن موی سر طبق آئین باستانی معمول بود و اکنون نیز میان زنان زرتشتی متداول است. (۱)

حکومت ساسانیان: در اواخر سلسله ی ساسانیان به علت عیاشی و هرزگی خانواده ی سلطنتی، آلودگی موبدان و زوال دین زرتشتی، پوشش زنان تنها برای پوشیدگی نبود، بلکه نوعی مخفی کردن آنان از طمع شاهزادگان و مردان قدرتمند، محسوب می شد. (۲)

پارسیان بعد از اسلام: پس از ورود اسلام به ایران، پوشش زنان ایرانی به لباسهای عربی شباهت پیدا کرد، ولی پوشاک روستائیان تغییری نیافت. (۳)

قرن سوم هجری: از حدود قرن سوم هجری به بعد که اسلام در میان اقوام مختلف وارد گردید، زنان کارگر و دهقان و کنیزان تازه مسلمان، چون حجاب را مانع فعالیت روزانه خود می دانستند، آن را به طور کامل رعایت نمی کردند و پوشش، بیشتر میان طبقات ممتاز رواج داشت. (۴)

دوران صفویه: از دوران صفویه به بعد، مدارک زیادی در مورد پوشاک ایرانیان موجود است. در این دوره، زنان ایرانی لباس های فاخر می پوشیدند که تفاوتهای کمی با لباس مردان داشت. و هنگام بیرون آمدن، چادری سفید می پوشیدند که سر تا پای آن ها را غیر از چشم ها مستور می نمود. این چادر میان فقیر و غنی یکسان بود. ظاهراً زنان کشاورز در ایران و عراق چهره ی خود را نمی پوشاندند. (۵)

دوران زندیه و قاجار: در دوران زندیه و قاجار، چادر حجاب رسمی محسوب می شد؛ چادرهایی به رنگ بنفش و سیاه. صورت را نیز با رو بندی از چلوار کلفت می پوشاندند. فقط زنان چادر نشین و روستائی چهره ی خود را باز می گذاشتند. (نقاب) نیز یکی از پوششهای چهره بود و از مو ساخته می شد. پوشش دیگر چهره (پیچه) بود که پارچه ای نیمه شفاف بود و سایبانی

برای چشم داشت که اندکی برجسته بود و چشمان را کم و بیش می پوشاند. زنان هنگام خارج شدن از خانه، چاقچوری که زیر جامه در آن بگنجد به پا می کردند. (۶)

دوران ناصرالدین شاه: از دوران ناصرالدین شاه و در پی سفرهای او به فرنگ، تغییراتی در لباس زنان پدید آمد و شلیته ها (دامن کوتاه) متداول شد. از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه تا وقوع مشروطه، تغییر محسوس ایجاد نشد. (۷)

پوشش بعد از ورود مشروطه: بعد از مشروطه و ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی و ورود لباسهای متنوع غربی و خیاطان و طراحان اروپایی مخصوصاً فرانسوی به تهران، کم کم سبک لباس ها تغییر کرد. با تغییر جو سیاسی و اجتماعی موضوع ورود زن ها به اجتماع و رفع حجاب از آنها نیز مطرح گردید. عده ای، رشد و پیشرفت زنان را مترادف با بی حجابی می دانستند و در مقابل آنها، برخی از روشنفکران و شعرايي مانند اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) این مسأله را عامل خطرناکی برای جامعه می دیدند. (۸)

اهمیت و فلسفه ی حجاب

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنس گذارده اند و افراد غریزه بی بند و باری زنان را جزئی از آزادی او می دانند سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه ای است متعلق به زمانهای گذشته! ولی مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزونی که از این آزادی های بی قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجاً گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود. البته در محیط های اسلامی و مذهبی، مخصوصاً در محیط ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی، بسیاری از مسائل حل شده و به بسیاری از این سوالات عملاً پاسخ کافی و قانع کننده داده شده است، ولی باز اهمیت موضوع ایجاب می کند که این مسئله به طور گسترده تر مورد بحث قرار گیرد. (۹) بحث در این است که آیا باید این مسائل از محیط اجتماع برچیده شود و به محیط خانواده و زندگی زناشویی اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار این برنامه است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می شود، در حالی که غربی ها و غریزه های مخالف هستند! اسلام می گوید کامیابی های جنسی اعم از آمیزش و لذت گیری های سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می باشد که جمله (لک ازکی لهم) نیز اشاره به آن است. (۱۰)

عفت در (لمس و تماس) و دست دادن با نامحرم: سماعه بن مهران: سألت ابا عبد الله (علیه السلام) عن مصافحه الرجل المرأة، قال: لا یحل للرجل ان یصافح المرأة الا امراه یحرم علیه ان یتزوجها: اخت او بنت او عمه او خاله او ابنه اخت او نحوها... (۱۱) سؤال شد از امام صادق (علیه السلام) در مورد دست دادن مرد با یک زن، فرمود: حرام است یک مرد با زن نامحرم دست دهد، مگر با زانی که ازدواج با آنها برای او حرام است مثل خواهر، یا دختر، یا عمه، یا خاله، یا دختر خواهر و یا امثال آن.

نهی زنان از نگاه به مردان نامحرم (عفت در نگاه): امام صادق (علیه السلام): (فزنا العینین النظر) (۱۲) زناى دو چشم زن (و یا مرد) نگاه به نامحرم است. امام صادق (علیه السلام): (النظره سهم من سهام ابلیس) (۱۳) نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان بر قلب انسان است. حضرت عیسی (علیه السلام): (ایاکم و النظره؛ فإنها تزرع فی قلب صاحبها الشهوه، و کفی بها لصاحبها فتنه) (۱۴) شما را بر حذر می دارم از نگاه به نامحرم، چرا که تخم شهوت را در قلب انسان می کارد و او را به هر فتنه و فساد دیگری می کشاند.

فلسفه ی حجاب و عفت: آرامش روحی مرد و زن و موفقیت هر کدام در وظایف خودشان (و إذا سألتموهن متاعاً فسألهن من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهن و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله و لا أن تنکحوا أزواجه من بعده أبداً إن ذلکم کان عندالله عظیماً* إن تبدوا شیئاً أو تخفوه فإن الله کان بکل شیء علیماً* لا جناح علیهن فی آبائهن و لا إخوانهن و لا أبناء إخوانهن و لا أبناءأخوانهن و لا نسائهن و لا ما ملکت ایمانهن و اتقین الله إن الله کان علی کل شیء شهیداً.) (۱۶) و وقتی (شما مردان نامحرم) چیزی را از زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خواهید از پشت پرده ای بخواهید. این کار موجب طهارت و پاکی قلبهای شما مردان و زنان نامحرم (از اوهام و خیابتها و افکار منفی) است، و نباید کسی از شما رسول الهی را آزاری برساند، و احدی از شما نباید بعد از رحلت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با زنان او ازدواج کند، که این کار در نزد پروردگار گناه بسیار بزرگی است. و اگر شما چیزی را آشکار کنید و یا پنهان نمائید خداوند بر هر چیزی آگاه است. باکی نیست برای زنان تا بدون حجاب باشند در نزد پدران خود و فرزندان خود و برادران خود و برادر زادگان و خواهر زادگان خود و در نزد سایر زنان مسلمان و کنیزان خود؛ و باید از خداوند متعال بترسند، که خدا بر هر چیزی گواه است.

۲- آمار های قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان طلاق واز هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است، چرا که (هر چه دیده بیند دل کند یاد) و هر چه دل: در اینجا یعنی هوسهای سرکش بخواهند به هر قیمتی باشد به دنبال آن می رود، و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می بندد و با دیگری وداع می گوید. در محیطی که حجاب است و شرایط دیگر اسلامی رعایت می شود دو همسر تعلق به یکدیگر دارند، و احساساتشان و عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر است. ولی در بازار آزاد برهنگی که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی (لاأقل در مرحله ی غیر آمیزش جنسی) در آمده اند دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی تواند داشته باشد و خانواده ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می شوند و کودکان بی سرپرست می مانند. (۱۷)

فلسفه ی حجاب و عفت: امنیت زن در جامعه

(یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن و ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً) (۱۸) ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنین بگو تا چادرهای خود را بر صورتهایشان نزدیک آورند! این کار بهتر است تا آنکه (به فسق و فجور و آلودگی) شناخته شوند و مورد آزار و اذیت (هوسرانان و مزاحمین نامحرم) قرار نگیرند، و خداوند بخشنده و مهربان است.

۳- گسترش دامنه ی فحشاء و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک ترین پیامدهای بی حجابی است که فکر می کنیم نیازی به ارقام و آمار ندارد و دلائل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است، آن قدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد. مسأله گسترش فحشاء حتی برای آنها هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه های اخلاقی قائل نیستند فاجعه آفرین است. بنابراین هر چیز که دامنه فساد جنسی را در جوامع انسانی گسترده تر سازد تهدیدی برای امنیت جامعه ها محسوب می شود. و پی آمدهای آن هرگونه حساب کنیم به زیان آن جامعه است. (۱۹)

فلسفه ی حجاب و عفت: کاهش مفاسد جنسی و اجتماعی

(یا نساء النبی لستن كأحد من النساء إن اتقتین فلا تخضعن بالقول فیطع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً) (۲۰) ای زنان پیغمبر ، شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس (با نامحرمان) با صدای نرم و (فریبنده) سخن نگوئید، تا مبادا آنکه قلبش بیمار است در شما طمع کند و آن چنانکه (برای یک زن مؤمن) شایسته است سخن بگوئید.

دلائل وجوب حجاب اسلامی

بدون شک یکی از ضروریات دین اسلام، لزوم پوشش زن در برابر مردان بیگانه است و با توجه به دلایل محکمی که وجود دارد جای تردیدی باقی نمی ماند که حجاب اسلامی هدیه ی الهی در پاسخ به ندای درونی و فطری زنان است و از افراط و تفریط هایی که در مکاتب قدیم و جدید بوده یا هست بر کنار می باشد این لطف الهی نه تنها باعث محدودیت و دورماندگی زن از جامعه نمی شود؛ بلکه شرطی برای حضور و مصونیت او در اجتماع است. در ادامه به ذکر دلایل وجوب حجاب می پردازیم!

الف: آیات قرآن

مهم ترین دلایل پوشش و کیفیت آن را، خداوند در سوره ی مبارکه نور فرموده است: (وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبدینَ زینتهنَّ إِلَّا ما ظهَرَ منها وَ لَیضربنَ بِخُمُرِهِنَّ علی جُوبِهِنَّ وَ لَا یُبدینَ زینتهنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنی إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسائِهِنَّ أَوْ ما مَلَکَتْ أیمانُهِنَّ أَوْ التَّابِعینَ غَیرِ أُولی الإربَةِ مِنَ الرِّجالِ أَوْ الطِّفالِ الذِّینَ لَمْ یَظْهَرُوا علی عَوْرَاتِ النِّساءِ وَ لَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیَعْلَمَ ما یُخْفینَ مِنْ زینتهنَّ وَ تَوْبُوا

إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۱) و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه‌ی خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشانشان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا افرادی که تمایل به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپای دارند به گوش رسد) و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! در این آیه ابتدا به زنان با ایمان همچون مردان با ایمان توصیه می‌کند تا نگاههای خود را کنترل نموده، دامانشان را نیز حفظ نمایند. سپس به مسأله حجاب که از ویژگی‌های زنان است در چهار بخش اشاره می‌کند:

۱- زنان نباید زینتشان را مگر آن مقداری که طبیعتاً ظاهر است آشکار سازند.

۲- زنان مسلمان باید روسری خود را طوری بر گریبان بپوشانند که هم گردن و هم آن قسمت سینه که بیرون است مستور گردد.

۳- محارم زنان را که می‌توان حجاب را در مقابل آنها برداشت معرفی می‌کند.

۴- زنان باید در رعایت عفت و دوری از تحریک مردان بیگانه دقیق و سخت گیر باشند.

ب: روایات

در روایات متعدد به حدود حجاب و فلسفه و نیز چگونگی برخورد با مردان بیگانه مکرراً تصریح شده است: ۱- نقل است که اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه، به خانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از او رو برگردانده و فرمودند: (ای اسماء همین که زن به حد بلوغ برسد، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر این و اینکه حضرت اشاره به میج دست به پائین و صورتشان نمودند.) (۲۲)

۲- حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جایی دیگر نیز خطاب به حواء همسر عطاره می‌فرمایند: (ای حواء هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نکرده و نیز موی سر و میج خود را نمایان نمی‌سازد.) (۲۳)

۳- از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل است که در پاسخ به سؤال مردی که پرسید: (برای مرد نامحرم، نگاه کردن به چه قسمت از بدن زن جایز است؟ فرمود: چهره، دو کف دست و دو قدم پا.) (۲۴) حدیثی دیگر از حضرت امام صادق (علیه السلام)

نقل شده است: از ایشان سؤال شد، آیا آرنج زن تا مچ از قسمت هایی است که باید از غیر نامحرم پوشاند؟ ایشان فرمودند: بله، آنچه زیر روسری قرار می گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود. (۲۵) از امام رضا (علیه السلام) در خصوص علت حجاب نقل شده است که فرمودند: (حرام شد نگاه به موهای زنان برای آنکه اگر موهای آنها در برابر مردان نامحرم آشکار شود، باعث تحریک و جلب توجه خواهد شد. فساد و بی بند و باری را به دنبال دارد و سبب می شود که مردم در کارهای حرام وارد شوند.) (۲۶) و نیز دیگر روایاتی که بیان کننده لزوم پوشش، چگونگی و نیز فلسفه ی آن است. زنان مسلمان باید توجه داشته باشند که خداوند متعال حتی در مورد زنان سالخورده ای که هیچ انگیزه ای در مردان به وجود نمی آورند می فرماید: (وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ) (۲۷) و اگر از این اجازه — که جلباب خود را کنار گذارند — نیز خودداری کنند و عفاف ورزند، برای آنان بهتر است) پس چگونه به دختران جوان اجازه دهد که پوششی نداشته باشند، یا هرگونه که می خواهند بگردند؟!

ج: سیره

(جایگاه بلند و شخصیت والای حضرت زهرا (سلام الله علیها) روشن تر از آن است که نیاز به گفتگو داشته باشد. در روایاتی آمده است که به هنگام تولد، برای آن حضرت لباس از بهشت آورده شد و جسمش پوشش کامل یافت تا زمینه برای تعالی روحش باشد. زهرای اطهر، این برترین الگوی زن و عالی ترین چهره ی بشریت گو اینکه فریاد گری علیه ظلم را پیشه دارد و ستم بر امام خویش و مآلاً جامعه را بر نمی تابد و از محدوده خانه پا به بیرون می نهد، و در اجتماع حضور می یابد و با بلیغ ترین جمله ها، از حق و حقیقت دفاع می کند، اما این همه، در نهایت آزر، حیا و عفاف است. او در حالی که مقنعه را محکم به سر بسته و خود را در جامه ای فراگیر پیچیده بود در جمع زنان بنی هاشم در حالی که جامه ی بلندش قدم هایش را پوشیده بود، با ابهت و متانت شگرفی قدم بر می داشت و برای همگان راه رفتن او گام زدن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را به یاد می آورد و ... (۲۸) آن حضرت در هر مکان و زمان حتی در جنگهای بین کفار و مسلمین پرده حجاب را کنار نمی زد؛ اما تاریخ فراموش نمی کند آن لعینی را که حرمت حرم الهی را شکست و با هیزم فتنه و آتش عداوت و خشم آکنده از حسد، لگد بر دری زد که حتی جبرئیل امین هم بدون اذن از آن وارد نمی شد و دست بر حریمی بلند کرد و سیلی زد که جز با ناز پدرش پرورش نیافته بود. حفاظ گلی را شکست که از ولایت حمایت می کرد و تازیانه بر دستی زد که هنوز جای بوسه پدر بر آن بود. حضرت زهرای مرضیه پوشش مناسب و حفظ حریم را پس از رحلت نیز پاس می دارد و سفارش می کند قامت بی جاننش را در حفاظی قرار دهند که حجم بدن نمایان نباشد. (۲۹) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: (أول من جعل له النعش فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) (۳۰) یعنی اولین کسی که در اسلام تابوت برای جنازه اش قرار داده شد، فاطمه (سلام الله علیها) دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. ابن عباس گوید: وقتی فاطمه (سلام الله علیها) در اثر غصه ها و ضرب و شتم ها، مریض شد به اسماء فرمود: جنازه ی مرا طوری حمل نکنید که بدنم نمایان باشد. اسماء بنت عمیس تابوتی از شاخه

های درخت خرما برای آن حضرت درست کرد و این اولین تابوت در اسلام بود. هنگامی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) آن را دیدند لبخندی زدند که بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تا آن روز او را چنین خوشحال ندیده بودیم. (۳۱) همچنین حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز که تربیت شده همین مکتب هستند، در پاسخ شخصی که از سخت ترین مصایب ایشان در حادثه کربلا می پرسد می فرماید: (مصیبت نگاه نامحرمان بر زنان اسیر)

د: فطرت

(برخی روانشناسان ریشه ی حیا و پوشش و حجاب زنان را تدبیر هوشمندانه فطری او برای جذابیت بیشتر معرفی کرده اند. این نظریه نیز به نوعی بر طبیعی بودن حیا و حجاب دلالت می کند.) (۳۲) برخی از جامعه شناسان حجاب و پوشش زن را مقتضای طبیعی جامعه ی بشری معرفی کرده اند. با بررسی سایر ادیان در می یابیم که حجاب در آنها نیز مرسوم بوده است و چون قوانین الهی بشر متناسب است، پس گرایش به حجاب، امری فطری است. در تائید فرضیه ی فطری بودن حجاب - به مفهوم مطلق پوشش - می توان مبدأ تاریخی آن را در زمانی جستجو کرد که آدم و حوا در اولین مراحل هیبوط به عالم طبیعت و آغاز حیات دنیوی، به خود آگاهی ضرورت پوشش دست یازیدند و از آن پس خداوند پوششهای گوناگون را بر فرزندان آدم ارزانی داشت: (... چون از آن درخت تناول کردند زشتی هایشان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند ... ای فرزندان آدم ما لباسی که ستر عورت شما کند و جامه های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و بر شما باد لباس تقوا ، که این نیکوترین جامه شماست.) (۳۳) بر مبنای همین تئوری است که به راحتی می توان تحلیلی منطقی از گرایش انسان به پوشش و توجه ادیان آسمانی به تعیین محدوده ای مشخص برای آن ، به دست آورد

• منبع : معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی